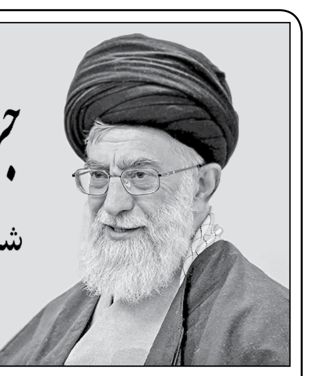

جرعه‌های معرفت

شرح حدیث معصومین(ع)

در کلام رهبر انقلاب

صدقه مالی و رفتاری؛ ضامن رهایی از آتش دوزخ

عن امیرالمومنین(ع) قال رسول‌الله (ص): کلکم مکلم ربه یوم القیامهً لیس بینه و بینه ترجمان فینظر امامه فلایجد الاما قدم و ینظر عن یمینه فلایجد الا ما قدم ثم ینظر عن یســاره فاذا هو بالنار، فاتقوا النار ولو بشق تمره فان لم ید احد کم فبکلمهً طیبهً.[1]

«امیرالمومنین(ع) از قول پیامبر(ص) نقل می‌کنندکه فرمود: افراد در روز قیامت بی‌واسطه با خدای متعال سخن می‌گویند؛ پس فرد به جلوی خود نگاه می‌کند و هیچ‌چیز جز عملی که از پیش فرســتاده نمی‌یابد. آنگاه به سمت راست خود نگاه می‌کند و چیزی جز عملی که از پیش فرســتاده نمی‌یابد، به طرف چپ خود نگاه می‌کنـــد و آتش دوزخ الهی را می‌بیند! پس خودتان را از آتش برحذر بدارید ولو با تکه‌ای از خرما. پس اگر این توانایی را هم نداشـــتید، با حرف خوبی، روی خوشـــی با مردم رفتار کنید.»

-کلکـــم مکلم ربه یوم القیامهً لیس بینه و بینه ترجمان؛ [امیرالمومنین(ع) از قول پیامبر(ص) می‌فرماید:] در روز قیامت همه آحاد خلایق، بی‌واســـطه با خدای متعال تکلم می‌کنند؛

-فینظر امامه فلا یجد الا ما قدم؛ انسان در روز قیامت به جلوی خود نگاه می‌کند و هیچ‌چیزی جز عملی که از پیش فرستاده، به چشم او نمی‌آید.

- و ینظر عن یمینه فلا یجد الا ما قدم؛ به سمت راست خود نگاه می‌کند، همه آنچه را می‌بیند، عبارت است از عمل خود که پیش فرستاده.

- ثم ینظر عن یساره فاذا هو بالنار؛ به طرف چپ نگاه می‌کند، آنجا دوزخ الهی را و آتش الهی را می‌بیند. این صحنه‌ســـازی‌های قیامت یکی از آن مباحث بسیار مهم قرآنی است که عرصه قیامت را با صحنه‌ها و تصویرهای محسوسی و ملموسی برای ما بیان می‌کنند. البته دقت در اینها و فهم اینها برای ماها خیلی آسان نیست؛ اجمالا اینکه فرق بین یمین و یسار چیست.

در قرآن- شاید در دو جا - درباره مومنین [آمده] «یسعی نورهم بین ایدیهم و بایمانهم»؛[2] نور خودشـــان را جلوی خودشـــان و طرف راست خودشان مشاهده می‌کنند. اینها یک معانی نمادینی هم دارد که ما نمی‌توانیم با این محدودیتی که در دید خودمان در این حصار مادی داریم، آن عرصه‌های عظیم ولاینتهی و عجیب را درست تصویر کنیم؛ وضع روز قیامت به کلی از محاسبات این دنیا خارج است؛ حتی وضع برزخ؛ با اینکه برزخ با روز قیامت خیلی تفاوت دارد، در عین حال برای ما قابل تصور نیست؛ اجمالا یک نشانه‌هایی، یک جرقه‌هایی، یک روزنه‌هایی جلوی چشم ما باز می‌کنند که یک تصویری ولو مبهم برای ما باقی بماند. به هر حال در اینجا فرق گذاشته شده است بین یمین و یسار؛ به جلوی خود و به یمین خود که نگاه می‌کند عمل خود را می‌بیند، به یســـار خود که نگاه می‌کند آتش را می‌بیند که آن آتش هم در حقیقت، عمل ما اســـت، آن هم تجســـم عمل خلاف و زشتی است که انسان در دنیا انجام داده؛ آن هم به یک نحوی عمل است. شاید مراد این باشـــد که اعمال خوب را در یک طرف مشاهده می‌کند، اعمال بد را در یک طرف مشـــاهده می‌کند؛ به قرینه «یسعی نورهم بین ایدیهم و بایمانهم» که عمل خوب که به نور تعبیر شده، طرف راست است و جلوی رو است و عمل بد که از آن تعبیر شده به آتش، طرف چپ است. حالا این صحنه قیامت: عمل نیک شما این طرف و عمل سوء شما آن طرف.

-فاتقوا النار و لو بشق تمرهً؛ بعد می‌فرماید با صدقه خودتان را از آتش برحذر بدارید. «فاتقوا» یعنی برحذر بدارید. ببینید چقدر مسئله ارتباطات اجتماعی و پر کردن شـــکاف فقیر و غنی مهم اســـت. این یکی از این مسائل بسیار مهم [است]؛ یعنی در صدقه دو مسئله مهم وجود دارد: یکی که خیلی مهم است، همین مسئله پر کردن شـــکاف بین غنی و فقیر اســـت که البته یکی از راه‌هایش صدقه است؛ و یکی هم «ومن یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون».[3] با قطع نظر از اینکه این پول به کجا می‌رود و به چه کســـی می‌رســـد، خود این هم که شما محض رضای خدا این تعلق را از خودتان بِکَنید و قطع کنید، یکی از آن دو چیز مهمی اســـت که در صدقه وجود دارد.

بعد می‌فرماید: حالا اگر چنانچه ندارید، «شق تمره» یعنی یک قسمت خرما [را بدهید]. حالا آن زمان فرض کنید که یک نفری زحمت می‌کشید، ده تا دانه خرما گیرش می‌آمد که در دهنش بگذارد، سد جوعی (رفع گرسنگی) بکند؛ می‌فرماید حالا نصف یک خرما را هم شما بدهید به یک کسی که ندارد؛ خود این هم یک چیز مهم است. «جهد مقل» همین است دیگر: آدمی که ندارد، یک تلاشی می‌کند، یک چیزی [هم بدهد]؛ هرچه داری، هر چه می‌توانی. گاهی کندن یک رقم کوچک از یک آدم فقیر، خیلی سخت‌تر است برای آن فقیر، از کندن یک تکه بزرگ از یک آدم غنـــی که اصلا لاابالی (باکی ندارد)، آنقدر دارد که اصلا برایش اهمیتی ندارد. ارزش آن اولی بیشـــتر است. حالا اگر همین را هم ندارید، چه کار کنید؟ این تکه دیگر برای من و شـــما- به خصوص بعضی از آقایان که مســـئول هستید و با مردم سروکاردارید- خوب است:

- فان لم یجد احدکم، فبکلمهً طیبهً؛ اگر همین را هم ندارید، یک حرف خوب، یک کلمه خوب، یک روی خوش، یک دعا(ع) «قول معروف و مغفرهً خیر من صدقهً یتبعها اذی»؛[4] یک کلمه خوشی، یک زبان خوشی، روی خوشی که به یک مراجعی نشان بدهید - در حالی که کاری هم برایش نمی‌توانید انجام بدهید - بهتر از این اســـت که او را کمک کنید، بعد هم دو تا فحش و [حرف] قلمبه (ناهنجار) هم سوارش کنید و منتی هم سرش بگذارید.

* شرح حدیث در ابتدای درس خارج، ۸۳/۹/۳

۱. نوادر راوندی، ص ۸۶ به نقل از کتاب نسیم‌سحر.

۲. ســـوره حدید، بخشی از آیه ۱۲؛ «... که نورشان پیشاپیششان و به جانب راستشان دوان است...»؛ همچنین سوره تحریم، بخشی از آیه ۸ (با اندکی تفاوت)

۳. ســـوره حشر، بخشـــی از آیه ۹ ؛ «... و هر کس از خسّت نفس خود مصون ماند، ایشانند که رستگارانند...»

۴. سوره بقره، بخشی از آیه ۲۶۳؛ «...گفتاری پسندیده [دربرابر نیازمندان] و گذشت[از اصرار و تندی آنان] بهتر از صدقه‌ای است که آزاری به دنبال آن باشد،...»

با خورشید انقلاب (خاطراتی از رهبر معظم انقلاب)

به سبک شادگان بود

رهبر معظم انقلاب نسبت به سبک‌های محلی در شعرخوانی و مداحی، مهارت خاصی دارند، بسیاری از هنرها در وجود ایشان جمع شده است.

در یکی از جلســـه‌ها که شاعران در محضر ایشان بودند و شعر می‌خواندند، بنده نیز توفیق حضور داشتم، جلسه در سوسنگرد یا هویزه بود. در آن روز، یکی از شـــاعران به آقا عرض کرد: اگر اجازه می‌فرمایید، من شـــعری به زبان محلی دشت آزادگان بخوانم. آقا فرمودند: بفرمایید. وی شعری را با زبان عربی خواند. بعد از تمام شـــدن شـــعر، آیت‌الله خامنه‌ای به او گفتند: این شعر شما به سبک شادگان بود، نه به زبان محلی دشت آزادگان!

کســـی که شعر را خوانده بود؛ گفت: حق با شماست! من توجه نداشتم. این روش، سبک محلی شادگان بود.

* سردار صادق آهنگران- کتاب پرتوی از خورشید ص ۱۴۲- چ ۲۰

استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

مصرف اموال جمع آوری شده برای مجالس عزاداری

س) آیا جایز اســـت در ایام محـــرم از افراد خیّر اموالی را جمع آوری کرد و با تقسیم آنها به سهم‌های مختلف، قسمتی را به قاری قرآن و مرثیه‌خوان و سخنران داد و باقی‌مانده را برای برگزاری مجالس مصرف کرد؟

ج) اگر با رضایت و موافقت صاحبان اموال باشد،اشکال ندارد.

حکم زنجیرزدن غیر متعارف به بدن

س) زنجیرزدن به بدن همان‌گونه که بعضی از مسلمانان انجام می‌دهند چه حکمی دارد؟

ج. اگر به نحو متعارف و به گونه‌ای باشد که از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه در عزاداری محسوب شود،اشکال ندارد.

عاشورا تجلی اسلام ناب(۸)

مکتب جهاد

سیدمحمدسعید مدنی

قال‌الحســـین(ع):«انی اکره ان ابداهم القتال» خوش ندارم آغازگر جنگ باشـــم. (اخبارالطوال، ص ۲۵۲)

اســـلام ، همان طور که دین رحمت و گذشت و آشتی است، به وقت لزوم و در زمان خود؛ دین خشـــونت و شمشیر و جهاد هم هســـت. اما هم رحمت و صلح این مکتب منطبق بر منطق و عقلانیت اســـت ، هم خشونت و شمشیر آن. اصولا در این دین هیچگونه «بی‌حســـاب و کتابی» و «غلبه غرایز و احساســـات بر عقل و منطق»، در هیچ عرصه و بعدی از امور فردی یا اجتماعی انسان تایید نشده است. چیزی که هست؛ اسلام شمشیر و جهاد را ، یا به تعبیر مولا علی(ع) «داغ و درفش» را آخرین حربه و ترفند برای در افتادن با موانع و مانع‌ســـازی‌های دشمن پیش روی هدایت و نجات انسان می‌داند. به تعبیر دیگر شمشیر اسلام برای ممانعت از آتش افروزی وایجاد محیط صلح‌آمیز و مساعد برای زندگی سازنده انسان‌ها و فرود آوردن بر سر ظالمان و مفسدانی که از انسان شدن انسان یعنی بنده خدا شدن و بنده آنها نشدن وحشت دارند از نیام خارج می‌شود و هرگز هدف آن آتش افروزی و تجاوزگری وریختن خون مردم بیگناه نیست. قرآن کریم می‌فرماید: «ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض». بقره/ ۲۵۱ (یعنی: اگر قانون جهاد و دفاع نباشد؛ زمین فاسد می‌شود). جهاد در اســـلام تاکتیک و شمشیر وســـیله‌ای است که دیگر راهی جز استفاده از آن باقی نمانده باشد.استاد شهید مطهری در این باره نوشته است:« اسلام دین شمشیر است، اما شمشیرش همیشه آماده دفاع است یا از جان مسلمین یا از مال مسلمین و یا از سرزمین مسلمین.»(سیره نبوی/ صفحه ۱۳۴)

ما می‌دانیم آیات جهاد وقتی پس از چهارده ســـال از بعثت گذشته در مدینه بر قلب پیامبر اکرم(ص) نازل شـــد که دشمنان لجوج و گستاخ دین هدایت، حتی پس از مهاجرت رســـول‌الله(ص) ومسلمانان به دشمنی و کینه توزی خود ادامه دادند وبا تهدیدات مکرر ، جنگ تبلیغاتی و روانی وســـیع و بی‌امانی را علیه مسلمانان ساکن مدینه به راه انداخته بودند و عملا آرامش و امنیت را که لازمه یک زندگی ســـالم و ســـازنده است سلب کرده بودند و مسلمانان را مرتب به تهاجم و ویران کردن مدینه تهدید می‌کردند به طوری که مسلمانان از یک ساعت دیگر خود خبر نداشته و بابیم و هراس دائمی سر به بالین گذاشته و روزگار به سختی و دلهره می‌گذراندند. در این مقطع که یکسال از هجرت گذشته و چهارده سال از بعثت سپری شده بود خداوند با نزول آیات معروف به جهاد(حج، آیه ۳۹): «اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا و...»، اولا به مســـلمانان اجازه داد، آماده دفاع از ایمان و ناموس و جان وخاک خود باشـــند(که دشمنی و تهدیدات دشمن جدی است و عنقریب عملی می‌شود.)

وثانیا اعلام کرد که دینی که محمد(ص) پیامبر آن اســـت چون به دنبال اصلاح کلیه شئون جامعه و مردم است؛ وچون پیامبر مبعوث نشده تا فقط تئوری و نظریه مطرح کند وفلســـفه ببافد ومســـئله بگوید و قرار است به آنچه درباره اصلاح خلق و جامعه می‌گوید عمل کند؛ دشمنان سرسخت داردو بنابراین دین او در وقت مقتضی و هنگام لزوم دین شمشیر و جنگ هم هست و یکی از صفات مسلمانی در کنار عابد و زاهد بودن و مهاجر بودن؛ «مجاهد بودن» اســـت. مســـلمان نباید متجاوز باشد اما هرگز هم نباید در برابر تهاجم و جسارت و گستاخی قلدران و زورگویان متجاوز- هر کسی با هر قدرتی که می‌خواهد باشد- سر تسلیم فرود آورد و ذلت بپذیرد. با این حال همانطور که بالاتر اشـــاره شد اسلام هرگز به پیروان خود اجازه تعدی و تجاوز نداده اســـت و به همین دلیل با مطالعه ســـیره و سنت پیامبر خدا(ص) و علی مرتضی(ع) (همان بزرگوارانی که امام حسین می‌گوید قیامش منطبق بر سیره و روش آنهاست... ادی به سیره جدی وابی...) هرگز آنها را مهاجم و شروع‌کننده جنگ نمی‌بینیم، بلکه مدافعان باصلابت و قدرتمندی می‌بینیم که تا دشـــمن مهاجم و متجاوز را از کرده خود پشیمان و منصرف نسازند وسر جای خود ننشانند؛ دست از سرش بر نمی‌دارند!

تاریـــخ گواهی می‌دهد که پیامبر(ص) دراوج برتری نظامی و وارد آوردن ضربات ســـنگین به دشمن در غزوات بدر واحد و خندق، وقتی در حدیبیه با پیشنهاد صلح دشـــمن درمانده و زمینگیر شده مواجه شد، بی‌درنگ و علیرغم بعضی مخالفت‌ها و اعتراض‌هایی که از ســـوی برخی اصحاب معروف به ایشان می‌شد صلح را پذیرفت و پای معاهده معروف حدیبیه را امضاء کرد... و وقتی دو ســـال بعد دشـــمن طمعکار و کینه توز دچاراشتباه محاسباتی شد ومجددا علیه مسلمانان چنگ و دندان نشان داد و زیر پیمان صلح با مســـلمانان زد، آنگاه پیامبر در واکنش و دفاع به تهاجم جدید، مکه را فتح کردو...این نوع و نحوه رفتار را هم در سیره و زندگانی امیرمومنان علی(ع) هم می‌بینیم.ایشان نیز با دشمنانش حتی آنها که علیه او وحکومت شرعی و قانونی او اعلان جنگ کرده‌اند همین رفتار را دارد هرگز شروع‌کننده به جنگ نیست.حضرت امیـــر مومنان(ع) که بر قدرتمندترین امپراتـــوری آن روزگار حکمرانی می‌کند پیش از شـــروع سه جنگ معروفی که پیمان شـــکنان زیاده خواه(ناکثین) و قانون شکنان سرکش(قاسطین) و بی‌شعورهای بازیچه دست منافقین (مارقین) علیه ایشان به راه می‌اندازنـــد در قامت یک مدافع در برابر تهاجم این گروه‌ها به حکومت حقه او و حقوق مردم و امنیت جامعه ظاهرمی‌شـــود والبته بینی همگی را به خاک می‌مالد! و آن هم وقتی که قبل از شـــروع هر ســـه جنگ تمام تلاش و توان خود را به وسیله نامه و ارسال رسول و حتی در مواردی نصیحت وتذکر رودر روبرای منصرف ساختن جنگ افروزان جمل و صفین و نهروان به کار می‌بندد و... که برای اطلاع از جزئیات باید تاریخ را خواند. نکته مهم و قابل توجه این است که جنگ‌های علی(ع) هرگز بر ســـر دفاع از منافع شـــخصی وثروت و خانواده و... نیست، چه اگر بود؛ آن روز که تازه مســـلمانانی مثل ســـهیل بن عمرو به همراه بعضی اصحاب شناخته شده به حریم و منزلش یورش بردند و به همسر بزرگوارش، دخت گرامی پیامبر(ص) آن جسارت‌ها و اهانت‌ها را کردند» خار در چشم واستخوان گلو» صبر وبردباری و تحمل نمی‌کرد و مصلحت اســـلام و مردم و جامعه نوپا را بر غرور ومســـائل شـــخصی- حتی دفاع از همسرش- ترجیح نمی‌داد!

امام حســـین نیز در قیام جاوید و خیره‌کننده خود در کربلا عملا قرآن را از نظر دفاع و جهاد تفسیر دوباره می‌کند وطبق سیره و روش «جد و پدرش» عمل می‌کند.

تاریخ گواهی می‌دهد که پیامبر(ص) دراوج برتری نظامی و وارد آوردن ضربات ســـنگین به دشـــمن در غزوات بدر واحد و خندق، وقتی در حدیبیه با پیشـــنهاد صلح دشمن درمانده و زمینگیر شده مواجه شد، بی‌درنگ و علیرغم بعضی مخالفت‌ها و اعتراض‌هایی که از سوی برخی اصحاب معروف به ایشان می‌شد صلح را پذیرفت و پای معاهده معروف حدیبیه را امضاء کرد... و وقتی دو ســـال بعد دشـــمن طمع کار و کینه توز دچاراشتباه محاسباتی شد ومجددا علیه مسلمانان چنگ و دندان نشان داد و زیر پیمان صلح با مسلمانان زد، آنگاه پیامبر در واکنش و دفاع به تهاجم جدید، مکه را فتح کرد.

امام حسین(ع) نیز در روز عاشورا و ساعاتی قبل از شعله‌ورشدن آتش‌جنگ به اصحاب خود می‌فرماید «انی اکره ان ابداهم القتال»(من اکراه دارم که شروع‌کننده به جنگ باشم) و این وقتی است که: «در صبح عاشورا، شمربن ذی الجوشن که دربدسرشتی در دنیا شاید نظیر نداشته باشد، تصمیم داشت پیش از شروع جنگ اقدام به مقابله با امام حسین(ع) کند، نمی‌دانست امام حسین(ع) قبلا این فکر را کرده، خیمه‌ها را دســـتور داده نزدیک به یکدیگر به شکل منحنی در بیاورند، خندق بکنند و مقداری نی خشـــک در آنجا بریزند و آتش بزنند که دشـــمن از پشـــت سر نتواند حمله کند. وقتی(شمر) آمد و با این وضع مواجه شد شروع کرد به فحاشی کردن... یکی از بزرگان صحابه (هم زهیر بن قین گفته‌اند و هم حبیب بن مظاهر) به امام حسین(ع) گفت: یا ابا عبدالله، اجازه بده با یک تیر همین جا کارش را تمام کنم. فرمود، نه. صحابی‌خیال کرد، حضرت(ع) شمر را نمی‌شناسد. لذا گفت: یا ابا عبدالله من می‌دانم این چه وجود شروری است. امام فرمود: می‌دانم.

گفت: پس چرا اجازه نمی‌دهید؟

فرمود: من نمی‌خواهم شروع‌کننده (به جنگ) باشم. تا در میان ما جنگ شروع نشـــده است، هنوز به صورت دو گروه مسلمان روبروی یکدیگر هستیم، تا آنها دست به جنگ و خونریزی نزنند، من دست به جنگ نمی‌زنم.“(استاد شهید مطهری سیره نبوی صفحه ۶۵ و ۶۶ وهمچنین پانزده گفتار صفحه ۲۱۵).

اســـلام ، همان طور که دین رحمت و گذشت و آشتی اســـت، به وقت لزوم و در زمان خود؛ دین خشونت و شمشیر و جهاد هم هست. اما هـــم رحمت و صلح این مکتب منطبق بر منطق و عقلانیت اســـت ، هم خشونت و شمشیر آن. اصولا در این دین هیچ‌گونه «بی‌حساب و کتابی» و «غلبه غرایز و احساسات بر عقل و منطق»، در هیچ عرصه و بعـــدی از امور فردی یا اجتماعی انســـان تایید نشده اســـت. چیزی که هست؛ اســـلام شمشـــیر و جهاد را ، یا به تعبیر مولا علی(ع) «داغ و درفش» را آخرین حربه و ترفند برای در افتادن با موانع و مانع‌سازی‌های دشمن پیش روی هدایت و نجات انسان می‌داند.

اســـتاد شـــهید مرتضی مطهری در این باره جمله ارزنده‌ای دارد: «... در ســـیره پیغمبر و ائمه اطهار زیاد می‌بینیم که در مقابله با دشمن هم دست از مکارم اخلاق ســـر بر نمی‌دارند.اینهاست که نشان می‌دهد آنها در سطح دیگری فکر می‌گنند.آنها خودشان را پاسدار حق و حقیقت می‌دانند.برای امام حسین(ع) کشته شدن خودش مطرح‌نیست؛ مسئله این است که دین کشته نشود. یک اصل؛ ولو اصل کوچک دین کشته نشود» (سیره نبوی، صفحه۶۵). بنابر این بدیهی است این بزرگواران از هرکاری که انجام می‌دهند چه صلح چه جنگ، چه هجرت و چه شهادت، چه سکوت و انزوا ، وچه حضور در متن جامعه ومعرکه سیاست وحکومت و... هدفی جز زنده نگاهداشتن و تداوم اسلام ناب محمدی(ص) ندارند. هدف آنها کشتن و کشته شدن نیست، اینها همه وســـیله اســـت برای نیل به آن هدف عالیه و بزرگ‌تر. هیچکدام از این مردان راستین خدا از جنگ یا کشته شدن نمی‌ترسند. این سخن علی(ع) معروف است‌که «به خدا پسر ابیطالب نسبت به مرگ از حب طفل به پستان مادرش مانوس‌تر است» (نهج‌البلاغه - خطبه ۵)

مرگ اگر مرد است گو نزد من آی

تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ

و در کربلا هم امام حســـین با سپاهیان دشـــمن بسیار سخن می‌گوید. به آنها هشدار می‌دهد و جایگاه خود را در اسلام و نسبت و خویشی خود را با پیامبر و حضرت زهـــرا(س) یادآوری می‌کند؛ آنها را نصیحت می‌کندو... اینها همه «انجام وظیفه» به عنوان یک «امام» اســـت که درباره شقی‌ترین و گمراه‌ترین مردم که علیه امام عصر خود وغالبا از سر ترس و طمع، شمشیر کشیده وطوق بندگی «الدعی ابن الدعی»! را به گردن انداخته اند،دلسوزی واحساس وظیفه می‌کند و چون جدش رسول خدا دغدغه هدایت آنهارا دارد. حسین(ع) می‌داند که ان فلک زدگان چه در این نبرد به هلاکت برسند وچه دستشان به خون امام و یاران بابصیرت و آگاه او آلوده شود سرنوشتی جز بدبختی دنیا وآتش وعذاب آخرت ندارند. این است که اگر حسین از جنگ اکراه دارد و با دشـــمن بی‌مروت خود دلسوزانه سخن می‌گوید برای حفظ جانش‌چانه نمی‌زند؛ برای نجات خانواده‌اش از اســـارت، تضرع و زاری نمی‌کند، برای رفع تشنگی از طفل شش ماهه به دشمن رذل و بی‌شرافت التماس نمی‌کند و...سرانجام آن‌گاه که چاره‌ای جز جنگ نماند طوری در اوج حماســـه، ایثار و فداکاری از ارزش‌های الهی و انسانی خود دفاع می‌کند که از این طریق بقای اسلام ناب را برای همیشه تضمین می‌نماید، که فرموده‌اند: «الاسلام نبوی الحدوث و حسینی‌البقاء»

طلاب فقیر ثروتمند!!!

رضا صفری

صادق زیبـــاکلام در یکـــی از جدیدترین اظهاراتش، با انتشار پستی در صفحه اینستاگرام خود، یک بار دیگر حوزه‌های علمیه تشیع را مورد حمله قرار داده است و به نقل از برخی از مسئولین حوزوی گفته است که حوزه تا سال ۱۴۱۴ باید ۳۰۰ هزار روحانی داشته باشد، و ضمن در نظر گرفتن حقوق ۲/۵ میلیونی برای هر طلبه !!! گفته است که این رقم در سال ۹۰۰۰ میلیارد تومان!!! می‌شود، در حالی‌که بودجه عمرانی کردستان در سال ۹۶،

اگر همین طـــلاب در دفاع از انقلاب و مباحث عقیدتی فعالیت نمی‌کردند، چنـــد برابر آنچه دولت اکنون به آنها داده است به ملت ایران تحمیل می‌شد؟ چه اندازه کشورهای استعمارگر با همین روشنگری‌ها، دستشان به سرمایه‌های مادی و معنوی کشور رسید؟

۶۰۰ میلیارد تومان، بودجه عمرانی سیســـتان و بلوچستان، ۳۵۰ میلیارد تومان و بودجه سازمان محیط‌زیست، ۵۰۰ میلیارد تومان است؛

***

هرچند این اولین بار نیست که ایشان، حرف‌های عجیب و خلاف واقع می‌زند، به گونه‌ای که دوســـت و دشمن همه متوجه این قضیه شده‌اند، اما از آنجایی که یک بار دیگر نهاد مقدس شیعه مورد هجمه قرار گرفته، لازم است نکات ذیل گفته شود:

۱- شهریه پرداختی طلاب در طول تاریخ همواره از موقوفات و وجوهات مردمی و هدایا و نذورات تأمین شده است و حوزه علمیه شیعه، به دلایلی که در جای خود صحیح است، مستقل از حکومت‌ها بوده است و همین امر نیز باعث شـــده تا روحانیت در طول تاریخ در برابر ستمگری‌های زمان خود آزادانه رفتار کرده و بایستد؛

به همین دلیل است که تقریباً امضای هیچ عالمی را ذیل یک قرارداد استعماری نمی‌توان دید و علما همواره پیشقراولان مبارزه با ظلم و فساد در جامعه بوده‌اند؛

۲- این شـــهریه در مقابل آنچه که ادعا شده است بسیار بسیار کمتر است؛ بنابر برخی گزارش‌ها و شواهد عینی، برخی از طلاب ســـطح ۱، حتی یک پنجم مبلغ ادعایی جناب زیباکلام را هم دریافت نمی‌کنند؛ حتی بین متأهل‌ها و مجردها فرق است و گاهی اوقات مجردها با همان پول حتی نمی‌توانند کتب علمی مورد نیاز خود را تأمین کنند؛

عـــلاوه بر آن در طول تاریخ، برخی از علما بوده‌اند که از دریافت همین مقدار اندک شـــهریه نیز اجتناب می‌کردنـــد و از راه‌هـــای دیگر هزینه‌هـــای زندگی را می‌گذراندند؛

اساتیدی در حوزه هســـتند که با سابقه ۲۰ سال تحصیل و بعد از آن سال‌ها تدریس در مدارس علمیه، حدود ۱/۵میلیون حقوق می‌گیرند؛ جالب اینجاســـت کـــه همین پول را هـــم از دولت و وزارت علوم دریافت نمی‌کنند؛

یک اســـتاد دانشـــگاه، فقط با مدرک کارشناسی ارشـــد - که تقریباً تعداد ســـال تحصیل برای دریافت مدرک آن با تعداد سال تحصیل در سطح ۱ حوزه و نه سطوح عالیه و خارج، برابری می‌کند – چند میلیون از دولت حقوق می‌گیرد؟

برخی از همین طلاب و اساتید، تمام ماه رمضان،

صبح، ظهر و شب مشغول تبلیغ، پاسخگویی به مردم و رفع مشکلات آنها هستند؛ در ایام محرم و صفر گاهی بـــه همراه خانواده‌های خود، به تبلیغ می‌روند؛ اگر قرار به محاسبه دنیایی باشد، چقدر باید پول دریافت کنند؟ آیا چند صد هـــزار تومان با این همه کار و هزینه‌های رفت و آمد همخوانی دارد؟

آیـــا آقای زیباکلام می‌توانند درک کنند که گاهی اوقات برخی از همین افراد با هزینه شـــخصی به تبلیغ می‌رونـــد و بابت تبلیغ، حتی یک ریال هم نه از دولت، نه از مردم و نه از حوزه دریافت نکرده‌اند؟

۳- خوب است جناب زیباکلام سفری به قم داشته باشند و از نزدیک ببینند که اگر بخواهیم بر اساس آمار بانک مرکزی قضاوت کنیم، اکثر طلاب نه تنها زیر خط فقـــر، که زیر خط مرگ باید قرار بگیرند!!! همه طلاب، قاضی و اســـتاد دانشگاه و اســـتخدام ادارات نیستند و اکثـــر آنها به تحصیل و تبلیغ مشـــغول‌اند؛ در صورت شاغل بودن، همین شهریه اندک نیز پرداخت نمی‌گردد؛

خوب است جناب زیباکلام سفری به قم داشته باشند و از نزدیک ببینند که اگر بخواهیم بر اساس آمار بانک مرکزی قضاوت کنیم، اکثر طلاب نه تنها زیر خط فقر، که زیر خط مرگ باید قرار بگیرند!!! همه طلاب، قاضی و استاد دانشگاه و استخدام ادارات نیستند و اکثر آنها به تحصیل و تبلیغ مشغول‌اند؛ در صورت شاغل بودن، همین شهریه اندک نیز پرداخت نمی‌گردد؛

برخی از همین طلاب و اســـاتید، تمام ماه رمضان، صبح، ظهر و شب مشغول تبلیغ، پاسخگویی به مردم و رفع مشکلات آنها هستند؛ در ایام محرم و صفر گاهی به همراه خانواده‌های خود، به تبلیغ می‌روند؛ اگر قرار به محاســـبه دنیایی باشد، چقدر باید پول دریافت کنند؟ آیا چند صد هزار تومان با این همه کار و هزینه‌های رفت و آمد همخوانی دارد؟ آیا آقای زیباکلام می‌توانند درک کنند که گاهی اوقات برخی از همین افراد با هزینه شخصی به تبلیغ می‌روند و بابت تبلیغ، حتی یک ریال هم نه از دولت، نه از مردم و نه از حوزه دریافت نکرده‌اند؟

۴- آیا جناب ایشان، نگاهی به بودجه دانشگاه تهران، دانشگاه فردوسی، دانشگاه اصفهان و... انداخته‌اند؟ بودجه ایـــن مراکز کجا و بودجه حوزه کجا؟ هر دانشـــگاه در استان‌های کشور، بودجه مجزای خود را دارد، آیا حوزه هم همین‌گونه است؟ آیا در تحصیل علم و فراهم کردن امکانات آموزشـــی، تجهیز کتابخانه، خدمات، ســـاخت دانشـــکده‌ها و مدارس، نباید طلبه و دانشجو از حقوق عمومی دولت، به طور یکسان بهره‌مند گردند؟ آیا الان یکسان بهره‌مند شده‌اند؟ آیا بنیاد ملی نخبگان از طلاب نخبه و دانشجویان نخبه به یک اندازه حمایت کرده است؟

۵- علاوه بر این بخشـــی از بودجه مرکز خدمات حوزه علمیه که توســـط دولت فراهم می‌شـــود، برای برادران اهل سنت نیز هزینه می‌گردد و فقط مخصوص حوزه علمیه شیعه نیست؛

جناب زیباکلام می‌دانند که ترکیه لائیک، برای نهاد روحانیت و امور مذهبی خود بودجه جداگانه دارد؟ دولت مصر برای دانشگاه الازهر چقدر بودجه فراهم می‌کند؟

آیا حوزه علمیه چنین نگاهی به دولت داشته است؟

مجله آمریکایی «گلوبالیســـت» در گزارشـــی به تلاش‌های عربســـتان بـــرای گســـترش بنیادگرایی و فرقه وهابیت در جهان به ویژه کشـــورهای آفریقایی با هزینه‌های هنگفت پرداخته و می‌نویسد: «عربستان بدون شرم و خجالت بزرگ‌ترین کمپین دیپلماسی عمومی خود در طول نیم قرن گذشته را به راه انداخت و بیش از یکصد میلیارد دلار با هدف گســـترش تفســـیرهای بنیادگرایانه و افراطی از اســـلام هزینـــه کرد و با این کمپین توانست به «تندروها» در جوامع دینی اسلامی در سراسر جهان قدرت بدهد.»

این گزارش می‌افزاید: «برخلاف تصور غالب، کمپین عربستان در وهله اول با هدف گسترش دین نیست بلکه با هدف کســـب جغرافیای سیاسی و به طور مشخص تقویت ســـلطه‌گری عربستان در کشمکش با ایران، به منظور سلطه یافتن (ریاض) بر جهان اسلام است. از این رو، با این اقدامات عربستان، رویکرد (دینی) بنیادگرایانهِ مخالف با تشیع گسترش می‌یابد.»

همچنین کانسا استاد تاریخ و دانشمند فرانسوی در کتاب خود به نام «دکتر سعودی و آقای جهاد» چنین افشاگری می‌کند که «عربستان سالانه بیش از هشت میلیارد یورو برای گســـترش تفکر وهابیت در داخل و خارج مصرف می‌کند که این رقم برابر است با ۳۲ برابر هزینه‌ای که واتیکان ســـالانه برای تقویت و گسترش دین مسیحیت دارد.»

در بخشی از این کتاب آمده است: «دولت سعودی ۴/۴میلیون دلار برای آموزش زبان عربی در افغانستان هزینه نموده تا ترویج اندیشـــه وهابیت راحت‌تر شود. از همیـــن جهت، امروز تعـــداد زیادی از مدارس دینی ولایات افغانســـتان مخصوصا ولایـــت بلخ، مرکز تبلیغ وهابیت شده است.»

جالب‌تر اینکه عربستان سعودی قصد دارد با هزینه کردن نزدیک به یک میلیارد دلار، حدود ۶۰۰ مسجد در بنگلادش بسازد و جریان وهابیت با ساخت ۱۱ هزار مدرسه در سال ۱۳۸۳ در افغانستان نیز به آموزش ۷۰ هـــزار عالم وهابی پرداخت تـــا پهنه فعالیت خود را در مناطق مختلف گسترش دهد.

امام خمینی(ره) در ترسیم بودجه حوزه‌های علمیه شیعه و مقایسه آن با مراکز دینی مسیحی می‌فرماید: «... درآمد ماهیانه شما که آقایان به اسم «شهریه» به شما می‌دهند از پول سیگار دیگران در هر ماه کمتر می‌باشد. مـــن در روزنامه یا مجله‌ای دیدم که بودجه‌ای که واتیکان برای یک کشیش در واشنگتن می‌فرستد یک قلم بســـیار درشتی است. حســـاب کردم دیدم از تمام بودجه‌هایی که حوزه‌های شـــیعه دارند بیشتر است.» (جهاد اکبر، مجموعـــه درس‌های اخلاق حضرت امام خمینی(ره)، صفحه ۴۸-۴۹)[1]

بـــا همه این اوصـــاف، اگر برای دفـــاع از مرزهای جغرافیایـــی باید از جانب دولت هزینه شـــود، دفاع از مرزهای فکری، فرهنگی و عقیدتی هزینه‌ای ندارد؟

آیا ساده‌اندیشان انتظار دارند از ورای سینمای مبتذل و عامیانه و همچنین کنسرت‌های مختلط و دم‌دســـتی، فرهنگ هزارساله ایران و اسلام در برابر هالیوود و شبیخون فرهنگی فضای مجازی و واقعی، خودی نشان دهد و به نسل‌های آینده منتقل شود؟

۶- بسیاری از جوانان مؤمن و مدافعان حرم برخاسته از همین مجالس و هیئت‌ها و کارهای جهادی و فرهنگی طلاب مخلص در سراسر کشور هستند؛ کشور عزیزمان درگیر امثال داعش و وهابیت و نیروهای فکری آنها نشده و یارگیری داعش از کشور عزیزمان بسیار ناچیز بوده و چنین چیزی حاصل رشادت‌های سربازان و فرماندهان جنگ عقیدتی و فرهنگی بوده است؛

اگر بنابر این بود که عده‌ای زیر لحاف خود بگویند با داعش هم باید مذاکره کرد، یا بگویند داعش برای ما تهدیدی نیست، هم‌اکنون باید در کوچه پس‌کوچه‌های شـــهرهایمان با آنها مذاکره می‌کردیم!!!! و یا اینکه هر خانواده‌ای یک جوان داعشی در خانه می‌داشت!!!

اگر همین طـــلاب در دفاع از انقـــلاب و مباحث عقیدتـــی فعالیت نمی‌کردند، چنـــد برابر آنچه دولت اکنون به آنها داده است به ملت ایران تحمیل می‌شد؟ چه اندازه کشورهای استعمارگر با همین روشنگری‌ها، دستشان به سرمایه‌های مادی و معنوی کشور رسید؟

هرچند در داخل هنوز هم مشکلات زیادی وجود دارد و روحانیت تلاشش کافی نبوده است، اما آیا قابل مقایســـه با قبل هســـت یا نه؟ آیا مانند جنگ جهانی کشورمان مورد تاخت و تاز سربازهای بیگانه قرار گرفته؟ مباحث پایه‌ای عقیدتی و فکری که به نیروهای نظامی سرایت کرده از کجا نشأت گرفته است؟

بســـیاری از جوانان مؤمن و مدافعان حرم برخاســـته از همین مجالس و هیئت‌ها و کارهای جهادی و فرهنگی طلاب مخلص در سراسر کشور هستند؛ کشور عزیزمان درگیر امثال داعش و وهابیت و نیروهای فکری آنها نشده و یارگیری داعش از کشور عزیزمان بسیار ناچیز بوده و چنین چیزی حاصل رشادت‌های سربازان و فرماندهان جنگ عقیدتی و فرهنگی بوده است؛

۷- باید به جناب زیباکلام گفت که اگر همین حوزه‌های علمیه و روشنگری مذهبیون در جامعه نبود، امثال شـــما کشور را دودستی تقدیم دشمن می‌کردند؛ امثال شـــما وارث تفکر عده‌ای هستید که معتقد بود ایرانی جماعت حتی آفتابه گلی هم نمی‌تواند بســـازد؛ موضع‌گیری‌های شما در مورد صنعت هســـته‌ای و اندیشه‌های از درون تهی شما در سیاســـت داخلی و خارجی، بـــه وضوح چنین چیزی را اثبات می‌کند؛ امثال شـــما موشک را هم تنش‌زا می‌خواند؛

یکی از بازیگران طنز قبلاً گفته بود که حاضر است برای خنداندن مردم شـــلوار خود را هم دربیاورد!! حالا شـــده کار ما و مذاکره با آمریکا، اگر آمریکا گفت لباس شما سیگنال منفی می‌دهد، قاعدتاً بنابر عمق نظریه‌های شما!! ما باید چنین کاری بکنیم، چون اصل، مذاکره و توافق و صلح و... از این نوع طنزها است؛

طـــلاب حوزه‌های علمیه همان شـــهریه ناچیز را می‌گیرند تا مردم را از افکار سست‌پایه امثال شما دور کرده و به معنای واقعی آزاداندیش کنند، تا یک بار دیگر برای ایران، مشـــروطیت و پهلوی اتفاق نیفتد؛ هرچند که جایزه هم از طرف دویچه وله آلمان نگیرند اما خدا را شکر می‌کنند!!

۸- بعد از آنکه جناب زیباکلام در پروژه‌های سیاسی و اجتماعی خود متحمل شکست‌های سنگین شده‌اند، ظاهراً این بار با چرتکه رضاخانی خود، روی به حساب و کتاب و مسائل اقتصادی آورده‌اند!!! بنابراین لازم است به ایشان چند نمونه از مشق‌های اقتصادی را دیکته کنیم تا خوب حساب و کتاب کنند:

پنج سال است که کشور با توصیه شما و همفکرانتان معطل کاغذپاره‌ای به نام برجام بوده اســـت و آب و نان مـــردم به آن گره زده شـــد؛ لطف کنید ضرر اقتصادی حاصل از آن و عقب‌افتادگی‌هایی را که در پی داشـــت، برای مردم بیان کنید؛

ضـــرر اقتصـــادی پرونده‌هایی نظیر کرســـنت که دستپخت همفکران شما بود، چقدر برای کشور هزینه داشته است؟

هرچند اکنون منتقد دولت هســـتید، اما بعد از ۴ ســـال کم‌ثمر بودن دولت یازدهم، یک بار دیگر شما و همفکرانتان به مردم توصیـــه کردید که به این دولت رأی دهند؛ هزینه بی‌تدبیری دولت و اســـتفاده از افراد مســـئله‌دار در دولت، فقط در همین چند ماهه چقدر برای مردم هزینه داشته است؟

در طول ۴۰ ســـال از عمر انقلاب اسلامی، جریان لیبرال و ســـکولار، به چه اندازه اقتصاد کشور را ویران کرده است؟

تفکر امثال شما در زمان مشروطیت و پهلوی چقدر بـــه ما هزینه و ضرر تحمیل کرد و اکنون با تفکر دینی در کجای منطقه و جهان هستیم؟

بودجه نهاد ریاست‌جمهوری چقدر است و چگونه هزینه می‌شود؟

بودجه مجلس چقدر است و هزینه‌های آن چگونه است؟

شـــما که حتی جایزه دویچه ولـــه را نیز به خاطر آزادی بیان گرفتید!!! دستمزدهای میلیاردی برخی از بازیگـــران، بازیکنان فوتبال و مربیان را به طور ثانیه و دقیقه‌ای برای مردم حساب کنید؛ بگویید از کدام منابع به دست می‌آیند؟

بعد از محاســـبه بیان کنید سهم هر ایرانی و سهم عمران هر استان چقدر می‌شود؟ آنگاه بگویید که حوزه علمیه به مردم چه گفت و امثال شما چقدر نقش داشتید تا آن گفته‌ها باد هوا شود و نتیجه‌اش چه شد؟

در هر حال با توجه به مشـــکلات اقتصادی که نتیجه خلف وعده‌ها و خودبرتربینی عده‌ای در داخل کشـــور بود، برخی می‌خواهند این ناتوانی را متوجه اصل نظام کنند و همچنین به موازات آن با تخریب چهره روحانیت در اذهان مردم و حاشیه‌ســـازی‌های دیگر، موجب بدبینی مردم نسبت به حکومت دینی و تفکر انقلابی شوند.

۱. رجا نیوز – ۲۸۳۰۵۱ شناسه خبر - ۹۶/۱۱/۹

جایگاه عقل و نقل در اسلام

از نظر اسلام عقل بسیار مهم و اساسی است و از جایگاه بسیار برتری برخوردار؛ چرا که در اثبات اصول دین و اصل پذیرش اســـلام، این عقل اســـت که به انسان کمک می‌کند تا حقیقت را چنانکه هســـت دریابد و با قلب، آن یافته را بپذیرد و بدان اعتقاد پیدا کند.

از نظر آموزه‌های اسلامی در شرایط تکلیف نیز عقل مطرح است؛ به این معنا که شخص باید چهار شرط بلوغ، اختیار، عقل و توان را دارا باشد تا کاری که تکلیف شده را انجام دهد و با فقدان هر یک دیگر آن تکلیف بر او نخواهد بود. پس کسی که بالغ نشده یا اختیاری ندارد و گرفتار اضطرار است یا گرفتار جنون و دیوانگی است یا استطاعت و توان انجام کاری را ندارد، تکلیفی بر عهده او نخواهد بود.

اما باید توجه داشت که در اسلام عقل با همه ارزش و جایگاه نمی‌تواند حکم شرعی داشته باشد؛ زیرا تنها خداوند است که حکم می‌کند و ما تنها باید بر اساس حکم الهی عمل کنیم.

البتـــه برخـــی گمان کرده‌اند که نقل برتر از عقل اســـت، در حالی که چنین نیســـت؛ زیرا نقل همانند عقل کاشـــف حکم است. به این معنا که ما با استفاده از چراغ عقل و نقل، راه را پیدا می‌کنیم، نه اینکه این عقل و نقل راه را می‌ســـازند؛ آن کسی که راه را می‌سازد همان حاکم یعنی شارع و خداوند است و عقل و نقل دو چراغی اســـت که ما با کمک آنها این راه یعنی حکم شـــرعی را پیدا کرده و بر اساس آن عمل می‌کنیم.

براین اساس نمی‌توان گفت: کل ما حکم به العقل حکم به الشرع و کل ما حکم به الشرع حکم به العقل؛ هر آنچه را عقل حکم کند شرع بدان حکم کرده و هر آنچه را شرع به آن حکم کند عقل حکم می‌کند؛ زیرا اصولا عقل و نقل حکم نمی‌کنند، بلکه فقط حکم را کشف می‌کنند و حاکم، تنها خداوند است.(شوری، آیه ۲۱)